

### متن پرسش

بسمه تعالی با سلام خدمت استاد فرزانه اگر ما بخواهیم در فهم از قرآن در حد علامه طباطبایی رحمه الله بیندیشیم (با اینکه اندیشه ایشان خیلی بلند است) آیا این باعث نمی شود که تولید علم متوقف شود و حرف نو زدن در زمینه فهم قرآن تعطیل شود؟ اگر بخواهیم هم از اصول ایشان استفاده کنیم باز هم ناچارا در بعضی موارد به رد نظریه ایشان می انجامد ولذا باید گفت که آیا فهم ایشان عالی ترین فهم از قرآن است یا از این برتر هم می توان در قرآن غور کرد؟ آیا حرف جدید زدن در مبانی تفسیری اگر برخلاف مبانی ایشان باشد مخالف تبعیت از اندیشه های این بزرگان نیست؟ البته منظورم از نو آوری با رعایت تمام شرایط و ضوابط است نه حرف بدون پشتوانه زدن. بسیار ممنونم

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: هنر قرآن آن است که عقل ما را مورد خطاب قرار می دهد تا در قرآن تدبّر کنیم و به حقایق عالم هستی نظر نماییم. در همین راستا امثال علامه‌ی طباطبایی «رحمة الله علیه» به قرآن رجوع می کنند و بعضی از ابعاد آیات الهی را تفسیر و تبیین می کنند و به همان صورت قرآنی عقل‌های خوانندگان را مورد خطاب قرار می دهند تا تفسیر ایشان مقدمه‌ی دقت بیشتر در قرآن شود و ابعاد دیگری از آیات الهی برای انسان ظهور کند. پس روش قرآن و روش عالمان دین هرگز روشی نیست که ما را در مسیر تعقل و تدبّر در قرآن متوقف به خودشان بکنند. موفق باشید